

نکته

سال ۹۷، سال گفت‌وگوی ملی

سیدحسین مهرآوران



● چندی است از اعتراض‌های خیابانی دی‌ماه ۹۶ می‌گذرد؛ اعتراض‌هایی که در جریان آن، به گفته علیرضا رحیمی، نماینده مجلس شورای اسلامی، چهارهزارو ۹۷۲ نفر بازداشت شدند که ۵۰ درصد از افراد بازداشتی بین ۱۹ تا ۲۵ و ۲۷ درصد بین ۲۵ تا ۳۲ سال بوده‌اند. اعتراض‌هایی که زمینه‌ساز بحران ارزی و افول سرمایه اجتماعی بوده است. ناآرامی‌هایی که با واکنش‌های گوناگون از سوی شخصیت‌های هر دو جریان سیاسی، مسئولان کشوری، کنشگران سیاسی-اجتماعی و استادان علوم انسانی همراه بوده است. زمینه‌های بروز ناآرامی‌های اخیر را می‌توان در واکاوی و پراخت مشکلات معیشتی، نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی بیشتر تبیین کرد. این همه عواملی است که اجماعی ملی برای بررسی زمینه‌ها و دلایل بروز این چالش‌ها، شناخت بیشتر اتمسفر حاکم بر فضای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و راهکارها و نقشه‌های برون رفت از شکاف‌های موجود را بیش‌ازپیش طلب می‌کند. سهل است که لازمه درک بحران‌های موجود، پذیرش این کاستی‌ها به‌عنوان سرفصل‌های کلانی است که هریک ریشه‌های بخشی از ناراضی‌ها را دربر می‌گیرد. فروگاستن و تقلیل ناآرامی‌های اخیر به عوامل اقتصادی-معیشتی -چنان که در برخی اظهارنظرها شاهد آن بوده‌ایم- نشنیدن صداهای خاموش یا رو به خاموشی‌رفته‌ای است که با بهانه‌های دیگر، فرصت ایجاد مسائل جدید را خواهند داشت. یکبارچگی ایران عزیز و آینده پرامید آن، امروز بیش از هر زمان به همراهی، همدلی و گفت‌وگوی میان مسئولان که امانت‌داران مردم‌اند، استادان دانشگاه و نخبگان سیاسی و فرهنگی و هم‌میهن‌انمان محتاج است. با مردم سخن بگوییم، به بدغغه‌های آنها از معیشت تا سیاست بیشتر توجه کنیم و درباره اولویت‌های زندگی اینجایی و اکنونی ایرانیان، همواره به دیدگاه‌ها و آرای آنها رجوع کنیم.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۶ • ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ • ۱۴ مارس ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۱۰۹ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۴ • اذان مغرب ۱۸:۲۹ • اذان صبح فردا ۴:۵۲ • طلوع آفتاب ۶:۱۶

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

مهدی عزیزی

علی ربیعی: مشکل فقر با پاشیدن پول حل نمی‌شود



زنانی که من دیدهام

به فراتر از خود سفر کنیم

زهرا عمرانی

چشمان نافذ سبزش از همان وقتی که کودکی چهار- پنج‌ساله بودم، توجهم را جلب می‌کرد. هرچند جوانی را پشت‌سر گذاشته بود، اما همچنان صورت زیبا و پوست روشنش توجه‌ها را به خود معطوف می‌کرد. حضورش در جمع همراه با سرزندگی و خلاقیت بود و همیشه داستانی عجیب برای تعریف‌کردن داشت؛ افرادی که ناشناخته در خیابان با آنها دوست شده و به خانه دعوتشان کرده بود، دورهمی‌هایی که برگزار کرده بود و کلاس‌های متنوع آموزشی که در آنها شرکت کرده بود. «یادگیری» عشق زندگی اوست و همه این سال‌ها را کوشیده تا آنچه را که عاشقانه دوست دارد برای خود و دیگران فراهم کند. اولین‌بار شاید ۱۵ سال پیش بود؛ از شمال برمی‌گشتم و مسیر جاده فرصتی شده بود تا او داستان زندگی‌اش را برای من و خواهرم تعریف کند. هر دو در ابتدای جوانی بودیم و هرچه او می‌گفت، ما مشتاق‌تر می‌شدیم و متعجب‌تر؛ مشتاق ازاین‌رو که از این‌همه نشیب‌وفراز بیشتر بدانیم و متعجب از اینکه آنچه ما می‌دیدیم، چقدر با تجربه زیسته «پروین‌خانم» متفاوت بود. انگار ما داشتیم دختری را بر بالای درخت می‌دیدیم که پایش را روی پایش انداخته و در خانه درختی قشنگش نشسته است و با ذهن کودکانه‌مان فکر می‌کردیم حتما با نردبان بلندی بالا رفته و آن خانه هم از قبل همان‌جا بوده است، اما او برایمان تعریف می‌کرد؛ از شاخه‌هایی که زیر پایش شکسته، پیراهن‌هایی که بر تنش پاره شده و خراش‌هایی که تنش برداشته تا توانسته خود را به بالای درخت برساند و آن خانه دور از ذهن درختی را چوب‌به‌چوب بنا کند.

کودک که بود، عاشق خواندن، نوشتن و یادگرفتن بود، طبع شعر هم داشت. هرچند با مادر و خواهر بزرگش در روستا زندگی می‌کرد، اما رؤیایش این بود که در سش که تمام شد به تهران بیاید و دانشگاه برود و برای ادامه تحصیل به فرنگ برود و روان‌شناسی بخواند، اما چشم‌های سبز نافذش کار دستش داد. هنوز دیپلمش را نگرفته، شوهرش دادند. به قول خودش «مانع تحصیل ما شدند». برای او اما تحصیل و یادگرفتن، چیزی نبود که بتواند به‌سادگی از آن دست بکشد. کتاب‌خواندن را رها نکرد و از شوهرش خواست او را حمایت کند تا بتواند تحصیلش را ادامه دهد. «شوهرم نه نمی‌گفت، اما در عمل هم اقدامی نمی‌کرد». این حال تعلیق ۱۳ سال دوام آورد و حاصلش پنج فرزند بود. شاید هر زن دیگری بود یا حتی امروز هم که باشد، در طول سالیان رؤیایش را فراموش کند و غرق کار خانه و نگهداری از فرزندان شود. او اما هر شب به عشق اینکه روزی به تهران بیاید و درسش را ادامه بدهد، می‌خوابید و صبح به همین امید چشم می‌گشود. از همسرش قول گرفته بود که فرزند آخرشان که از آب‌وگل درآمد، راهی تهران شوند. زمان موعود رسید و خانواده برنامه‌ای برای عزیمت نداشت. پروین‌خانم، یک صبح زود، تک‌وتنها، یک‌باره بچه‌ها را آماده کرد و با اتوبوس راهی تهران شد و مدتی در منزل یکی از بستگانش اقامت کرد تا بتوانند جایی پیدا کنند. داستان اینکه چطور از پس خشم همسرش برآمد، امروز که سالیان‌سال از آن روز گذشته و سال‌های بعد - در کنار همسرش در جایی که پروین‌خانم دوست داشت؛ یعنی شهر - به خوشی زیسته‌اند، دیگر مطرح نیست. مهم چشمان نافذ و زیبایی است که جای آنکه تنها داشته او در زندگی محسوب شوند توانستند فردا و دنیا را ببینند و سبب شدند پروین‌خانم جای آنکه به تقدیر وا بدهد، به تغییر دل بدهد و حرکت کند. اهمیت این تصمیم در تحقق یک رؤیاست؛ اینکه پروین‌خانم بالاخره در ۴۰ سالگی در دانشگاه و رشته موردعلاقه‌اش ثبت نام کرد. اینکه تا همین امروز از تحصیل دست برنداشته، هر روز در کلاس جدیدی شرکت می‌کند و هر روز آموخته‌ای‌نوا از این دنیا برداشت می‌کند. اهمیت ماجرا اینجاست که این رؤیا و عشق عمیق فردی به آموختن، نه‌تنها سیراب نشد که روزه‌روز تشنه‌تر شد و سبلی که از پس این تشنگی روان شد، سیراب‌کننده استعدادهایی شد که ممکن بود به هر دلیلی نتوانند به بار بنشینند. او که به قول خودش در زمان خود نتوانست «در جهت استعدادش حرکت کند»، ۲۰ سالی است که مؤسسه‌ای را بنا نهاده با این هدف که هیچ انسانی نباشد که به‌خاطر محرومیت، از حرکت در مسیر استعدادش بازماند. او تصمیم گرفته تا به‌جای شکایت از روزگاری که تحقق رؤیاها را غیرممکن کرده یا به درازا می‌کشاند، دست‌به‌کار شود و «به فراتر از خود سفر کند و گرمابخش موجودات عالم و مسبب رشد دیگران باشد».

تا امروز صدها دانشجو از این مؤسسه فارغ‌التحصیل شده‌اند، اما عزم پروین‌خانم برای حمایت از استعدادها، گسترده‌تر از حیطه مؤسسه و فراتر از استعدادهای تحصیلی است؛ استعدادهایی که شکوفایی آنها لزوما در دانشگاه رخ نمی‌دهند، چون استعدادهای ورزشی و هنری نیز برای او مهم است و تعهدش به حمایت و پشتیبانی از آنان‌ی که رؤیایی دارند - این رؤیا هرچه می‌خواهد باشد- ستودنی است. او باور دارد این راهی است که در آن جامعه به سمت عشق و انسانیت سوق پیدا می‌کند و می‌گوید این جوانان بااستعداد، آینده‌سازان این جهان هستند و آنان که رؤیایشان را ساخته‌اند حتما جهان زیباتری برای ما خواهند ساخت.

کرد. آن نظریه‌ها فقط ناظر بر این نیست که مردم حاکم بر سرنوشت و عملکرد سیاسی جامعه خود باشند، ناظر بر این نیز هست که مبادا شرایطی فراهم شود که این دستاورد خنثی شود. توسعه فرهنگی سبب شد نظریه تفکیک قوای مونتنسکیو مطرح شود تا تمام قوا در اختیار یک تصمیم‌گیرنده یا بازیگر نباشد تا شاید بتواند مهارتی بر حکومت‌های غیردموکراتیک یعنی فردی باشد. بعد، رسانه‌ها به عنوان رکن چهارم افزوده شدند. گفته شد تا آزادی بیان نباشد، انتقاد صورت نمی‌گیرد و بنابراین سه رکن ممکن است متوجه معایب خود یا یکدیگر نشوند. از سوی دیگر جلوگیری از انتقاده‌ها ممکن است راه را برای گریز از فلسفه تفکیک قوا باز کند و قوای تفکیک‌شده عملا در انحصار یک قدرت قرار گیرد.

من شخصا نکته دیگری را که بارها در نظریه سیاسی درباره‌اش بحث شده است، به عنوان رکن پنجم قرار می‌دهم. البته بحثش از من نیست ولی «برای جلوگیری از تکرار حاکمیت مقامات اجرایی» به آن معتقدم. این کار اولین بار به صورت عملی در آمریکا انجام و بعد وارد قانون اساسی آن کشور شد که یک رئیس‌جمهور را بیش از دو بار نمی‌توان انتخاب کرد. به‌نظر من این امر به اندازه رکن پنجم دموکراسی ارزش دارد. اگر انتخاب یک رئیس‌جمهور را بارها بتوان تکرار کرد، آن رئیس‌جمهور در موقعیت همان سلاطین دائمی قرار می‌گیرد و تا اندازه‌ای شان فرانسائی پیدا می‌کند. این دستاورد مدرن‌تر دموکراسی در قانون اساسی ما نه به عنوان

سلام به فردا

دموکراسی فراموش‌شده

یک رکن، بلکه در قالب یک اصل ذکر شده که تکرار انتخابات ریاست‌جمهوری را بیش از دو بار برای یک نفر ممنوع کرده است. من شخصا معتقدم این جلوگیری باید دائمی و برای تمام عمر باشد وگرنه بازی‌هایی که به آن «پوتین-مدودف» می‌گویند یا ریاست‌جمهوری آقای اردوغان در ترکیه که بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر دست‌به‌دست شد، در حالی که همیشه آقای اردوغان مسلط بود، چه در دوره ریاست‌جمهوری و چه نخست‌وزیری، در عمل دورشدن از وضعیت دموکراتیک است. بنابراین با توجه به سیر حکومت‌ها می‌توان گفت دموکراسی در اصل متکی بر فرهنگ عمومی جامعه و توسعه فرهنگی است و به صورت وارداتی و پیوندی قابل‌اعمال نیست. نمونه آن عملکرد بسیارسیار افتخارآمیز و پیشرفته روشنفکران سطوح بالای جامعه ایرانی در قرن گذشته‌است که موفق شدند در سال ۱۹۰۶ مشروطیت را به ایران هم بیاورند و با کمال حسن نیت شروع به اعمال آن نیز کردند و مجلس اول را از نخبگان و ریش‌سفیدان گرد هم آوردند و قوانین مصوب آن را نیز اجرا کردند ولی متوجه نیاز به توسعه فرهنگی برای بقای آن نبودند. به این معنی که وقتی آرا در شرایط توسعه‌نیافتگی در اختیار توده مردم قرار گیرد، منتخبان آنها اغلب متفندان و خوانین محلی خواهند بود که آنها خواهان بازگشت به استبداد هستند. طرز تفکر و روحیه و عملکرد محلی آنها باعث ایجاد هرج‌ومرج در ایران شد و فقط با کودتای سوم اسفند استبداد قاجاری را تبدیل به دیکتاتوری پهلوی کرد.

تحلیل

درس‌هایی از تجارب جهانی برای اکران ایرانی

در یادداشت قبل متذکر شدم سینمای ایران بیش از اینکه بخواهد رعایت عدالت را در اکران همه فیلم‌های تولیدی داشته باشد، باید سیاست اصلی خود را بر افزایش مخاطب و بهره‌وری بالای سینماها متمرکز کند و بگذارد حوزه عرضه و تقاضا همانند همه کشورهای صاحب سینما کارکرد خود را داشته باشد و دولت و صنف با نظارت هوشمندانه خود بتوانند این بازار را از انحصارگرایی دور کنند و شرایط رقابت را برای فعالان حوزه توزیع و نمایش مهیا کنند.

درآیین‌نامه‌امسال با توجه به ضرورت استفاده از کارکردهای سینمای هنروتجربه و کمک این گروه سینمایی به کلیت سینمای ایران فارغ از توجه به ضرورت اکران این نوع فیلم‌های هنری و تجربی، انتظار می‌رود شورای صنفی نمایش و این گروه سینمایی در راستای هم‌افزایی می‌مابین خود قدم بردارند و نسبت به اکران شناور فیلم‌هایی که می‌توانند در این گروه سینمایی به اکران درآیند و درصورت استقبال مخاطبان تعداد بیشتری از ظرفیت اکران را در اختیار بگیرند تا سینمای ایران بتواند از ظرفیت موجود خود (تمامی ۴۰۰ سالن سینما به معنای مشارکت در فروش بالای فیلم‌ها نیستند و تنها صد پرده سینما می‌تواند ۸۰ درصد اقتصاد سینما را تامین کنند و اکران فیلم‌هایی که با رویکرد هنری و تجربی قصد دارند در اکران عام به نمایش درآیند قطعا آسیب جدی به اقتصاد سینما خواهند زد و سینمای ایران برای جلوگیری از این آسیب باید امکان جذابیت نمایشی سینمای هنروتجربه را مهیا کند تا این نوع فیلم‌ها هدفمندتر اکران شود و درصورت استقبال تعداد سالن‌های سینماهای خود را افزایش دهد این اصل شناوربودن تعداد سینما در زمان مواجهه با مخاطب یک اصل پذیرفته‌شده در صنعت سینماست) به بهترین نحو بهره‌برداری کند. کاهش مخاطب حدود سه‌میلیون نفری سال ۹۶ در سینمای ایران و افزایش نمایش فیلم‌های کم‌مخاطب در اکران عام (فیلم‌های هنری و تجربی) نشان‌دهنده ضرورت توجه به این آسیب است. همان‌گونه که در یادداشت هفته قبل ذکر کردم، سینمای ایران قابلیت خدمات‌دهی به هفت فیلم را در این تعداد گروه ندارد. با توجه به عدم افزایش معنادار پردیس‌های سینمایی جدید از منظر فروش و استقبال مخاطب هرگونه سیاست افزایش هم‌زمان اکران فیلم‌ها با ریسک بالایی همراه است. پردیس مکامال هنوز نتوانسته به‌عنوان یک گلوگاه اقتصادی همانند پردیس کوروش خود را معرفی کند و همچنان برای ارزیابی فروش بالای جدول اکران برای پردیس باغ کتاب نیز زمان زود است. با توجه به محدودیت ظرفیت گلوگاه‌های پردیس‌های سینمایی (آزادی، ملت، زندگی و فرهنگ) قطعا سه فیلم از هفت فیلم اکران نوروزی، هم در تهران و هم در شهرهای اصلی کشور با مشکل کمبود ظرفیت معنادار برای فروش مواجه خواهند شد و بهتر این بود که تعداد سرگروه‌های سینمایی (هرچند در یادداشت هفته گذشته عرض کردم کلا با گروه‌بندی در اکران سینمای ایران مخالفم) حداکثر با پنج گروه تعریف می‌شد تا فیلم‌ها می‌توانستند با ظرفیت مناسب به نمایش درآیند.

همین‌حوالی

استادان هنر در موزه «دیدی»

موزه گالری دیدی از ۲۴ اسفند میزبان نمایشگاهی از آثار بهرام دبیری، محمود زنده‌رودی (زنده) و عین‌الدین صادق‌زاده خواهد بود. در این نمایشگاه بهرام دبیری ۱۲ کلاژ خود را که بر مبنای پاساژبندی مینیاتور اجرا شده، به نمایش خواهد گذاشت. اما در این نمایشگاه محمود زنده‌رودی (زنده)، هنرمند ایرانی مقیم فرانسه، هم ۱۲ جامه حرز با عنوان کلی «لباس طلسم‌شکن» به نمایش خواهد گذاشت. اینها آثاری است که زنده‌رودی در طول چندسال به وجود آورده. هر یک از این جامه‌ها گوشه‌ای از زیبایی هنر نقاشی و خط‌نگاری را به تصویر می‌کشد. در کنار زنده‌رودی و دبیری، عین‌الدین صادق‌زاده، هنرمند صاحب‌سبک خوشنویسی و نقاشیخط، هم در این نمایشگاه ۱۰ اثر از آثار جدید خود را به نمایش می‌گذارد. صادق‌زاده که خود مازندرانی و متولد بابلسر است، اضافه کرد: «اهمیت این کار فرهنگی در آن است که بخش خصوصی این پروژه را عهده‌دار شده و نکته مهم‌تر آنکه، مدیریت این موزه‌گالری اعلام کرده‌اند در این نمایشگاه درصدی از هنرمند دریافت نمی‌کنند!».

علاقه‌مندان می‌توانند تا ۳۱ فروردین ۹۷ هر روز از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۱ شب از این آثار در مجتمع فرهنگی، هنری دیدی، به نشانی یکولمتر ۹ جاده محمودآباد- نور، ابرشهرشد دیدن کنند.

محصول کره جنوبی

Aryaborhan.com

آریا برهان

نماینده انحصاری دورکو در ایران